

موقف چین و عکس العمل افغانستان

موقف جمهوری چین در برابر افغانستان چیست، و افغانستان چگونه میتواند در ایجاد استحکام سیاسی و امنیتی خویش از آن بیشتر بهره بردارد؟ در مجموع، عملکرد این کشور اشاره به تعهدش در مهیا ساختن امداد به افغانستان میکند. اما، با وجود اینکه چین خواهان بهبود وضع امنیتی در منطقه و به خصوص افغانستان است، متناسب با دنیای غرب، نقش کلیدی بی در همکاریهای سیاسی و نظامی در افغانستان بازی نکرده است. از اینرو، با استفاده از روابط سازنده دیپلماتیک و انگیزه های مفید اقتصادی، افغانستان باید جلب همکاری به مراتب مؤثرتر از چین نماید. منافع منطقی چین در هر سه ساحات سیاسی، اقتصادی، و امنیتی تا حد زیادی مرتبط به روابطش با افغانستان است. اما در طول دهه اخیر، خط مشی این کشور روی استحکام روابط اقتصادی با افغانستان چرخیده است، در حالی که چین قادر است در استحکام اوضاع امنیتی در افغانستان سهم فعالتری اتخاذ کند.

سه عامل عمده در تعیین خط مشی چین در مورد افغانستان نقش بازی میکند: مناسبات حسنه آن با پاکستان، رقابت های سیاسی و اقتصادی اش با هند، و حفظ امنیت داخلی این کشور در مجادله با جدایی طلبان یوغور. بهبود وضع امنیتی در افغانستان از امکان ایجاد ضرر در روابط چین با پاکستان کاهیده، موقف منطقی اش را در برابر هند محکمتر میسازد. افغانستان مستحکم ممد کار آن کشور در درگیری با مشکلات امنیتی داخلی اش نیز شده میتواند. با وجود این، چین بیشتر علاقمند به همکاریهای اقتصادی با افغانستان است تا ارائه کمکهای نظامی و سیاسی. افغانستان میتواند از موقف این همسایه اش در آسیای میانه و جنوبی مناسبتر بهره برداری کرده، جلب همکاری بیشتر در زمینه های سیاسی و نظامی از چین نماید. با کسب موفقیت در تقویت روابط دیپلماتیک و تشویق چین به اتخاذ سهم فعالتر در حل بحران منطقی، افغانستان به توازن مناسباتش با کشورهای دیگر منطقه، مثل هند، نیز خواهد افزود. مهمتر از همه، همکاری سیاسی چین با افغانستان میتواند به وارد نمودن فشار بیشتر بر پاکستان برای اتخاذ سهمی مثبت در زمینه استحکام امنیت منطقی بیانجامد.

احتیاج و همکاری

در ساحة همکاری های اقتصادی، جمهوری چین بزرگترین کشور سرمایه گذار در افغانستان محسوب میشود. استخراج مس از معدن عینک نمونه ای از تعهد این کشور به همکاری طویل المدت با افغانستان است. قراردادهایی که میان افغانستان و شرکتهای چینیایی به امضا رسیده است، راه را هم به روی امکانات انکشاف اقتصادی برای افغانستان و هم فرصتهای جدید تجارتي برای سکتور دولتی و خصوصی چین باز ساخته است. از آن جمله میتوان از امضای قرارداد بین افغانستان و شرکت ملی نفت چین و چینا میتلورجیکل، در استخراج نفت، مس، و زغال سنگ، و ساختن راه آهن به طول ۸۰۰ کیلومتر، تصفیه خانه نفت، و دستگاه ایجاد برق نام برد. همچنان، حکومت چین انواع قرضه ها و کمکهای اقتصادی به افغانستان ارائه کرده است.¹

باید خاطر نشان ساخت که تقویت مناسبات تجارتي بین دو همسایه در درازمدت برای انکشاف اقتصادی و استحکام امنیتی چین نیز فایده مند تمام خواهد شد. چین در صدر جدول ممالکی قرار دارد که ضرورت آنها به منابع خام و انرژی به طور سرسام آورافزونی یافته است، درحالی که این منابع روز به روز در حال کاهش است. این کشور در رقابتهای اقتصادی و سیاسی با کشورهای چینی، هند، روسیه، و حتی ایالات متحده قرار دارد. پس، بی سبب نیست که منابع طبیعی افغانستان مورد علاقه جدی چین قرار گرفته است. مشروط بر اینکه معاملات اقتصادی با صداقت و سنجش دقیق از جانب افغانستان با جمهوری چین صورت پذیرد، استخراج منابع طبیعی افغانستان میتواند در پیشرفت صنایع و بهبود وضع اقتصادی کشور مؤثر واقع شود.

همکاری تجارتي و سهم گیری چین در این راستا تا حدودی روی این باور نیز استوار است که انکشاف اقتصادی ممد پیشرفت در تأمین صلح و استحکام سیاسی در افغانستان خواهد شد. چنانچه، وزیر خارجه چین، یینگ جیچی، صریحاً اظهار کرده است که "با پشتیبانی قوی از جانب جامعه بین المللی، یک افغانستان صلح آمیز، مستحکم، و آزاد،

¹ Eltaf Najafizada and James Rupert, "China Builds Lead in Afghan Commodities, Add Oil to Copper," *Businessweek*, <http://www.bloomberg.com/news/2011-09-12/china-expands-lead-in-afghan-commodities-by-adding-oil-to-copper-mine-plan.html> (Accessed November 15, 2011).

که از پیشرفت و مناسبات خوب بین المللی مستفید شده بتواند به میان خواهد آمد.² مقوله ای که عده ای از دانشمندان علوم اجتماعی و اقتصادی به آن باورمنداند اینست که به طور عموم، احتمال خشونت بین افراد جامعه ای که معیارهای زندگی در آن ارتقاء کرده باشد کمتر است.³ اینکه این مقوله تا چه حد با وضعیت کنونی افغانستان مطابقت دارد، ایجاب بحثی جداگانه میکند. منظور از بیان این نکته این است که یکی از دلایل کلیدی بی که نه تنها چین، بلکه اعضای جامعه جهانی در بازسازی و انکشاف اقتصادی افغانستان سعی دارند، همین امیدواری است که پیشرفت ممد ایجاد استحکام خواهد شد. در عین حال، باید متوجه بود که تنها حفاظت از منافع تجاری و یا حسن نیت به تنهایی دلیل ایجاد روابط دوستانه اقتصادی بین افغانستان و چین گردیده نمیتواند. جای تعجب نخواهد بود اگر از طریق همکاری تجاری با افغانستان، چین در تلاش حفظ منافع استراتژیکی اش در منطقه نیز باشد.

با دوام روابط اقتصادی با افغانستان، این کشور میتواند اظهار موجودیت در افغانستان کند، که مرکز مهم استراتژیکی میان آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، و شرق میانه محسوب میشود. اگر قرار باشد که چین با هند، روسیه، و ایران روی نفوذ سیاسی در این مناطق به رقابت بپردازد، پس باید حضوری در افغانستان، که مسایل امنیتی آسیا و حتی جهان دور این محور میچرخد، داشته باشد. با استفاده از روابط حسنه تجاری و دیپلماتیک، جمهوری چین اوضاع سیاسی افغانستان را نیز به طور غیر مستقیم زیر نظر قرار داده میتواند. با قرار داشتن در جریان، این کشور باید در مورد چالشهایی که افغانستان با پاکستان مواجه است، و هم در ارتباط با گرمی مناسبات افغانستان با هندوستان حصول اطلاعات مورد ضرورت کرده بتواند.

رقابت با هند

با نگاهی گذرا به منافع چین در مناطق آسیای جنوبی و مرکزی، میتوان گفت که در جلب دوستی افغانستان، این کشور بیشتر نگران رقابت با هند است، نه روسیه. افغانها که هنوز خاطرات تلخ یک دهه جنگ با اتحاد جماهیر شوروی را فراموش نکرده اند، خود را در فاصله مسنونی از روسیه قرار داده اند. اما نزدیکتر شدن مناسبات دیپلماتیک، اقتصادی، و در این اواخر، مناسبات نظامی بین هند و افغانستان از ابتدای پیدایش نظام دموکراتیک در افغانستان به طور روزافزون استحکام یافته است. به طور مثال، در جریان یک دهه بعد از سقوط حکومت طالبان، هندوستان حدود 2 میلیارد دلار را به طور امداد بلاعوض در کوشش برای بازسازی افغانستان به خرج داده است.⁵ در این مدت، هند پروژه های مختلف انکشافی را در ساحات زراعتی، آموزشی، تخنیک و نظامی روی دست گرفته است، که تکمیل آنها به انکشاف اقتصادی افغانستان سودمند واقع شده و خواهد شد.

مقابلاً، افغانستان هم مسئولیت حفر معدن آهن حاجیگک را که 1.8 بلیون تن فلز در آن نهفته است، به شرکت های هندی سپرده.⁶ این معامله در نتیجه، متضمن جدیت نقش هندوستان در آینده ساختار اقتصادی افغانستان شده است. در عین حال، باید متوجه بود که چنین تحولی میتواند راه گشای نفوذ بیشتر سیاسی هند در افغانستان نیز باشد. به همین سبب، نمیتوان اینگونه انکشافات را خارج از ساحه توجه و نگرانی چین دانست. به احتمال قوی، جمهوری چین آگاه است که گرمی روابط میان هند و افغانستان نفوذ سیاسی چین را در منطقه و هم دسترسی آن را به منابع سرشار طبیعی افغانستان تحت شعاع قرار داده میتواند. در این میان، برای افغانها رقابت بین هندوستان و چین فرصت خوبی در جلب همکاری بیشتر هر دوی آنها شمرده میشود.

منحیص یک کشور انکشاف یافته و در حال رقابت با ممالک مترقی جهان، مشمول هند، چین محتاج منابع طبیعی بی که فراهم کننده مواد خام تولیدی و انرژی باشد، است. پس موفقیتش در تلاش دسترسی به این منابع در تضمین ادامه رقابتش با این کشورها اهمیتی کلیدی دارد. اما، باید فراموش نکرد که همانند هند، دلبستگی جمهوری چین نیز تنها

² "China Vows to Continue Support to Afghanistan's Reconstruction," Embassy of The People's Republic of China in the Republic of Turkey, <http://www.chinaembassy.org.tr> (Accessed November 20, 2012).

³ در باره این موضوع نوشته بسیار است. از آنجمله توجه فرمایید به دو منبع:

Rasheed Draman, "Poverty and Conflict in Africa: Explaining a Complex Relationship," *Report Prepared for Experts Group Meeting on Africa-Canada Parliamentary Strengthening Program*, Addis Ababa, May 19-23, 2003.

James Fearon and David Laitin, "Ethnicity, Insurgency, and Civil War," Department of Political Science-*Stanford University*, August 27, 2002.

⁴ Tariq Mahmud Ashraf, "Afghanistan in Chinese Strategy Toward South and Central Asia," *China Brief* 8, no. (2008).

⁵ Jack Healy and Alissa J. Rubin, "Afghanistan Favors India and Denigrates Pakistan," *New York Times*, October 4, 2011. <http://www.nytimes.com/2011/10/05/world/asia/afghanistan-curries-favor-with-india-and-denigrates-pakistan.html> (Accessed November 18, 2011).

⁶ Iltaf Najafzada, "Afghanistan Awards Indian Group Hajigak Iron-Ore Mining Rights," *Bloomberg-Businessweek*, November 28, 2011. <http://www.businessweek.com/news/2011-11-28/afghanistan-awards-indian-group-hajigak-iron-ore-mining-rights.html> (Accessed November 28, 2011).

منحصر به بهره برداری اقتصادی از روابطش با افغانستان و کشورهای همجوار آن نیست. نفوذ سیاسی در افغانستان و منطقه هدفیست که هیچ یک از این کشورها آشکارا به آن اعتراف نخواهند کرد. افغانستان هم باید در برابر اینگونه جواز نفوذ (که از راه همکاریهای اقتصادی به چین بخشیده است) درخواست سیاسی خودش را که عبارت از تحت فشار قرار دادن پاکستان است به چین صریحتر اظهار کند، و بر اهمیت آن پیوسته تأکید ورزد. با تأکید روی احتمال سرایت عملیات دهشت افگنی و مفکوره های افراطگرا از فراسوی سرحدات پاکستان میان مسلمانان چین، افغانستان میتواند از این رابطه بیشتر سود سیاسی برد.

نگرانی در مورد خشونت گرایان دینی

موفقیت چین هم در منطقه و هم در برخورد با چالشهای داخلی خودش، مستلزم ایجاد روابط حسنه سیاسی با کشورهای همجوار و ساحوی وی میباید شد. به عبارتی دیگر، به منظور حفظ منافع خویش، جمهوری چین ضرورت به حضور سیاسی و اقتصادی در کشورهای منطقه و همسایه دارد. نگرانی برای حفظ منافع خویش و رقابت منتقوی، این کشور را مجبور ساخته تا اوضاع امنیتی و تحولات سیاسی هر یک از کشورهای مناطق آسیای مرکزی و جنوبی را تحت نظارت متدوام و نزدیک قرار دهد. بر علاوه بهره جویی اقتصادی، که به آن قبلا اشاره شد، دلیل عمده دیگر این امر جلوگیری از توسعه جنبشهای افراط گرایی که در خارج این مرزها فعال اند، در داخل چین است. هر آن، انتشار ایده ها و وسعت عملیات نظامی تندروان به داخل سرحدات چین عاری از امکان نیست. چین که خود با گروههای جدایی طلب مسلح یوغور در ایالت خودمختار زیجانگ دچار مشکلات است، پیوسته نگران عبور افراطگرایان منطقوی به مرزهایش است.

اگر افراطیون دینی و دهشت افگنان افغان و پاکستانی ظرفیت کمک به جدایی طلبان و افراطیون چین را پیدا کنند، برای چین مشکلات جدیدی به میان خواهد آمد که احتمال دوام درازمدت آن وجود دارد. به این دلیل، در رابطه با افراطگرایان دینی، چین هم با افغانستان و هم با جهان غرب هدفی مشترک دارد، که همانا نابودی و یا حدعقل تضعیف این گروه ها است. این کشور نمیخواهد که مناطق مسلمان نشینش را سلفی های خشونت گرا تحت نفوذ خویش در آورند. پس به منظور جلوگیری از اینگونه انکشافات، چین باید خواهان استحکام سیاسی و توانمند سازی قوای امنیتی افغانستان باشد. اما، عملاً همکاری اش را با افغانستان در بخش اقتصادی محکمتر از ارائه دستگیری در ساحة نظامی و سیاسی نگه داشته است. پس، در صورتی که جمهوری چین نگران اوضاع امنیتی در رابطه با استحکام سیاسی داخلی خویش هست، چرا نخواست تا در تکمیل ضروریات امنیتی افغانستان جدی عمل کند؟

احتیاط و عدم احتیاج کافی را میتوان دو عامل کلیدی در محافظه کاری چین در مورد افغانستان دانست. چین محتاط است تا در مخالفت عملی و مستقیم با اسلام گرایان مسلح قرار نگیرد. با دخالت مستقیم و نظامی چین بین طالبان و حکومت افغانستان، احتمال دارد که نه تنها تندروان افغان، بلکه اسلام گرایان دهشت افکن سراسر دنیا این کشور را از نوع کشورهای غربی، که به قول آنها با اسلام مخالف اند، معرفی و با آن اعلان جنگ بدهند. در نتیجه، این امر به تحریک عناصر تندرو و جدایی طلب مسلمان در داخل چین خواهد گرایید. به اساس تحقیقات داکتر جف ریوز، چین نمیخواهد "خطر بیگانه ساختن و ایجاد نارضایتی میان بازیگران دولتی و غیر دولتی" در منطقه را متقبل شود. خودداری از تحریک افراط گرایان علیه آن کشور دلیل بارزیست که تا اندازه ای به چین بیشتر حیصیت تماشاجی، نه بازیگری فعال را در بحران امنیتی افغانستان بخشیده است.

همچنان، از لحاظ نظامی ایالات متحده و متفقین اش حد اکثر پشتیبانی بی را که افغانستان به آن محتاج است مهیا نموده است. با دستپیشی امریکا در این راستا، چین پا به عقب کشیده و رسیدگی به مسایل امنیتی را به عهده امریکایی ها و جهان غرب گذاشته است. در این مورد عده زیادی از مبصرین سیاسی همنظراند که چین در تأمین امنیت منطقوی، به صورت عموم آنقدر که قادر است و باید عمل نکند، نکرده است. با پافشاری بر اینکه "قدرت بزرگ واجب مسولیت بزرگ است"، آنها سیاست خارجی چین را مورد انتقاد قرار داده، آن کشور را به "مفت خواری" متهم مینمایند. به نظر میرسد که عموماً، غربی ها خواهان سهمگیری بیشتر چین در مهیا نمودن امداد امنیتی به افغانستان اند. اما جمهوری چین به منظور جلوگیری از درگیری سیاسی و نظامی در منطقه، و ایجاد پیچیدگی در روابطش با کشورهای چین پاکستان تا حال از بر دوش کشیدن این مسولیت شانه خالی کرده است.

روابط با پاکستان

⁷ Jeff Reeves, "Does China's Afghan Foreign Policy Constitute a Grand Strategy?" Defense Concepts, CADS Press, 5, no. 4 (2010) 24-46.

⁸ Jonathan Narvey, "The Rise of China: With Great Power Comes Great Responsibility," The Propagandist, August 22, 2010 <http://www.propagandistmag.com/2010/08/22/rise-china-great-power-comes-great-responsibility> (Accessed November 28, 2011).

چین نگرانی های دیگری نیز دارد که آن کشور را وادار به محافظه کاری در امداد به افغانستان و اتخاذ موقف جدی در برابر دهشت افگنان منطقوی میسازد. یکی از این نگرانی ها رسیدن آسیب به روابطش با پاکستان است. پاکستان کشور بیست که با دهشتگرایی دینی روابط نزدیک و در عین حال پیچیده دارد. شواهد به دست آمده توسط اداره استخباراتی ایالات متحده (سی.ای.ای.) و هم استخبارات افغانستان به اثبات رسانیده که این کشور به منظور تحقق بخشیدن به آرمانهای سیاسی اش در منطقه از طالبان افغان پشتیبانی میکند.⁹ به همین دلیل، نهادینه ساختن روابط نزدیک نظامی چین با افغانستان به احتمال وارد آمدن لطمه به روابط این کشور با پاکستان میافزاید. به نظر میرسد که با اجتناب از درگیری عملی با طالبان و پشتیبانی نظامی از افغانستان، چین میکوشد تا به طور غیر مستقیم با پاکستان ایجاد مشکل نکند. دو دلیل مهم سبب اتحاد اینگونه خط مشی گردیده است.

اول اینکه پاکستان ممد نفوذ نظامی چین هم در خشکه و هم در بحر گردیده است. برای چین، نه تنها بندرهای تجارتي پاکستان راه واردات نفت و مواد خام را از سراسر دنیا باز نگه میدارد، بلکه به کشتی های جنگی اش نیز امکان گزمه و عملیات در آبهای تحت اداره پاکستان را مهیا ساخته است. دوم، پاکستان از طریق همکاریهای استخباراتی و نظامی با چین در محدود نگه داشتن قدرت هند در قاره آسیا (هدفی مشترک بین هر دو کشور) نقش به سزایی بازی کرده است. بر علاوه، سالانه پاکستان به ارزش میلیونها دالر امداد اقتصادی، و نظامی از جمهوری چین دریافت میدارد.¹⁰ اتکای استراتیجیک دو جانبه و روابط نزدیک دیپلوماتیک میان رهبران دو کشور اینگونه داد و ستد بین چین و پاکستان را امکان پذیر ساخته است. به عباره دیگر، برای حفظ امنیت داخلی، افزایش قدرت، و ایجاد سدی مقابل نفوذ هند در منطقه، پاکستان و چین شدیداً متکی به کمکهای همدیگراند. اینگونه همکاری ها میان چین و پاکستان از زمان جنگ سرد بر علیه فعالیتهای توسعه طلبانه اتحاد جماهیر شوروی در جریان بوده است. پس، قدامت همکاری نزدیک بین این دو کشور نیز در استحکام رابطه بین آنها بی اثر نیست. به نظر میرسد که چین تصمیم مکرر ساختن اینگونه روابط را با دوست کاری چون پاکستان در منطقه ای متزلزل چون جنوب آسیا ندارد. پیامد روابط چین با پاکستان برای افغانستان چیست؟ با وجود علاقه چین به استقرار ثبات سیاسی و استحکام امنیتی در افغانستان، نگرانی در مورد روابطش با پاکستان رکنی اساسی در تعیین موقف چین در برابر افغانستان است. یعنی، روابط این کشور با پاکستان باعث شده که چین با تناسب به قابلیت سیاسی و نظامی بی که دارد، در زمینه کمک به افغانها آنچنانکه میتواند فعال نباشد.

جمع بندی

جای شک نیست که چین خواهان استحکام سیاسی و برقراری امنیت در افغانستان است. این کشور در بعد اقتصادی نقش فعالی در توسعه روابط با افغانستان بازی کرده است. ولی، در بعد امنیتی و سیاسی، که برایش هیچ خالی از اهمیت بوده نمیتواند، در مورد افغانستان محافظه کارانه عمل کرده است. سوالی مهم اینست که افغانستان چگونه پالیسی اش را در برابر چین عیار کند تا در جلب توجه آن کشور برای پشتیبانی سیاسی و هم کمکهای بیشتر نظامی در برابر پاکستان و دهشت افگنان موثر واقع شود؟ با در نظر داشت ضرورت و واقعیت موقف منطقوی چین، افغانستان باید به جلب همکاری سیاسی و اقتصادی به مراتب بیشتر از آنی که آن کشور متمایل است بپردازد. به خصوص، افغانستان میتواند برای کامیابی پروسه صلح از طریق مذاکره با پاکستان، از روابط نزدیک بین چین و پاکستان بیشتر بهره بردارد. البته امکان موفقیت چین را منحیص یک میانجی در تغییر جهت خط مشی پاکستان باید هم به نظر امید و هم با دیده شک نگریست، چون واکنش پاکستان را در این راستا نمیتوان پیشبینی کرد.

جمهوری چین نیز میتواند از بهبود وضع در افغانستان بهره اقتصادی و سیاسی بردارد. لحاظاً، در زمینه کمک بیشتر به افغانستان شاید مقاومت چندانی نشان ندهد. اما به سبب تعهد قبلی چین به پاکستان و هم نگرانی اش در مورد درگیری با افراطیون دینی، افغانستان نمیتواند از آن کشور انتظار امداد نظامی گسترده و علنی را داشته باشد. همچنان، باید به یاد داشت که دخالت نظامی چین به پیچیدگی روابط میان افغانستان، هند، و روسیه خواهد افزود. ولی، در عرصه سیاسی و اقتصادی، افغانستان میتواند از رابطه خویش با چین در وارد نمودن فشار بر پاکستان مؤثرتر بهره جوید. با وجود اینکه روابط چین با پاکستان محدودیتهایی بر خط مشی و عملکرد چین در مورد افغانستان وضع کرده است، موقف چین در منطقه که بر اساس احتیاجات سیاسی و اقتصادی آن استوار است، برای افغانستان فرصتی گرانبها نیز مهیا کرده است تا از آن کشور در زمینه مسایل امنیتی درخواست سهمگیری بارزتر نماید.

به منظور تحقق به این هدف، افغانستان باید روابط دیپلوماتیک و تجارتي اش را بیشتر از پیش با چین استحکام بخشد—خصوصاً متناسب با اینگونه روابط بین چین و پاکستان. بر علاوه، در تأکید بر جدیت مسئله بستگی حفظ امنیت در افغانستان به منافع چین باید بیشترکار صورت پذیرد. تمرکز روی این مقوله که ثبات در افغانستان به نفع سیاسی و

⁹ Jayshree Bajorya, "The ISI and Terrorism: Behind the Accusations," Council on Foreign Relations, May 4, 2011 <http://www.cfr.org/pakistan/isi-terrorism-behind-accusations/p11644> (Accessed November 28, 2011).

¹⁰ Urvashi Aneja, "Pakistan-China Relations: Recent Developments," Institute of Peace and Conflict Studies, June 2006 http://www.ipcs.org/pdf_file/issue/136564802IPCS-Special-Report-26.pdf (Accessed November 22, 2011).

اقتصادی چین میانجامد، به جلب همکاریهای جدی تر از آن کشور مفید واقع خواهد شد. افغانستان میتواند در پیشبرد این پالیسی از ارزش اقتصادی و موقعیت جیوپولیتیک به خصوصی که در اختیار دارد بیشتر بهره بردارد. شاید با اتخاذ این ستراتیجی افغانستان موقف محافظه کارانه چین را در منطقه به کلی تغییر داده نتواند، اما امکان اینکه از آن مؤثرتر بهره جوید واقعیت پذیر است.

پایان

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ